

## منصور پویان فراز و فرود فرهنگ و تمدن در ایران زمین ۳۴

آنچه فرد از یک کلمه منظور می کند، دلالت بر تجربه ای خصوصی ندارد. به دیگر سخن، معنی کلمه تصویری به خودی خود یگانه و مشخص نیست. کلمه، صور و طرق استفاده گوناگون دارد و معنی آن ثابت نیست. معنی یک کلمه، شیئی نیست که کلمه در مقابل آن قرار می گیرد. معنی یک کلمه همانا طریقی است که تحت آن، کلمه معنی می شود. به عبارت دیگر، معنی یک کلمه از طریق کاربرد آن و از استفاده آن در متن ناشی می شود. در این راستا، فراگیری و کاربرد کلمات، خود عملی اجتماعی محسوب می شوند.

معنی منظور شده از یک کلمه فقط وقتی قابل کشف و استناد است که به طریق استفاده آن در زمینه و نیز به متن و کاربردهای آن رجوع شود. مفاهیم احساسی همچون آرزو و ترس نیز مشمول همین شرایط اند. مفاهیم اهمیت خود را در معنی مدیون آن محیط انسانی هستند که بدان منتسب می شوند. آنها حاوی معانی خصوصی نیستند. بنابراین، احساس، اشراق و تفکر اموری وابسته و ملزم به زبان اند و بیرون از زبان حدوث پذیر هستند.

زبان مولود و پدیده ای اجتماعی است. لذا، زبان برای ابراز احساسات خصوصی تدارک نشده است. اظهارات و بیانات زبانی تحت سیادت قوانین و اصول بلاانکار اجتماعی قرار دارند. صحت کاربرد کلمات و عبارات منوط به شرایط اجتماعی و مناسبت زمینه آن است. بنابراین کاربرد درونی زبان، مطابقت عینی با معیارهای بیرونی ندارد. همانطور که گفته شد: استفاده از کلمات عملی اجتماعی محسوب می شود. آنچه افراد به انجام می رسانند و نیز آنچه می گویند؛ همه زمینه ساز شرایطی است که بر مبنای آن؛ عقاید ما درباره دیگران به صورت مستدل و منطقی جلوه گر می شوند.

علاوه بر توضیح اشیاء، استفاده های گوناگونی از زبان به عمل می آید. مثلاً ما جهت صدور فرمان، اظهار احساسات یا برای خبر و هشدار دادن یا برای ابراز هیجان و یا به منظور سؤال کردن، کلمات و دستورات خاص مربوط به زبان را مورد استفاده قرار می دهیم. این چنین است که ویتگنشتاین معتقد است که کلماتی که در یک بازی زبانی به کار گرفته می شوند، می توانند هر کدام در بازی های زبانی بسیار متفاوتی مورد استفاده گوناگون قرار گیرند. همانطور که گفته شد: معنی هر گفته (به طریق اولی، هر عین اعم از کلمه، شیئی یا عمل) از زمینه تبادلاتی و از روابط متقابل میان آحاد حاصل می شود. معنی سازی از هر عمل و یا گفتمان با عطف توجه به زمینه آن رابطه و متن صورت می پذیرد. به عبارت دیگر، معنی سازی بستگی به متن و روند تبادلات دارد تا مفاهیم حاصل شود.

بر مبنای انعطاف و کشش پذیری زبان، می توانیم زبان را به سوی استفاده های جدید متحول سازیم. بازی های زبانی که بر اساس آن کلمات معنی می گیرند، خود اشکال زندگی و طریق فعالیت اجتماعی اند. از اینرو، با تغییر اشکال زندگی، زبان نیز دستخوش دگرگونی و تحول می شود. منبای مثال، می توان رسوم و زندگی برپایه آداب و شئون را به مثابه بازی های زبانی قاعده مند و در عین حال مشمول تغییر و تحول برشمرد. زبان و زندگی در یکدیگر در آمیخته اند. هر یک به مثابه مجموعه ای از بازی ها، از یک طرف قاعده مند و از طرف دیگر تغییر پذیر است.

ویتگنشتاین منکر اصلاح و تغییر زبان توسط فلسفه می شود. او می گوید زبان را باید به حال خود گذاشت.

چرا که احتیاجات مشخص کاربران زبان است که آن را تغییر می دهد و نه تأملات انتزاعی درباره طبیعت زبان. او می گوید آنچه فلسفه باید انجام دهد، تشریح زبان (آنچنانکه روزمره استفاده می شود) و نیز روشن گردانیدن روش ها و انگاره های کاربردی و رایج آن است. به عبارت دیگر، فلسفه به عقیده ویتگنشتاین باید فقط توضیح دهنده و یادآور باشد و نه دست اندر کار در تئوری بافی.

وزر دادن زبان یا به عبارت دیگر، ایجاد بازی های زبانی جدید باید مقید به ملاحظاتی دستوری و معطوف به سیستم علائم در ساخت معنی صورت پذیرد. خارج کردن زبان از حالت متعارف و از وضعیت موجود اقدامی دلخواهی نیست که شاعر و یا نویسنده هر آینه آن را متحول سازد. همانند مفاهیم، گسترانیدن بازی های زبانی امری است مبتنی بر رویه. بدیگر سخن، گسترش دادن های زبانی امری است روشمند. ایجاد زبانی نافذ، موجز و در برگیرنده مفاهیم جدید همانا امری اجتماعی و سیستماتیک است که به قول سوسیور، اجزای آن از حیطة فرد و از معمارگری های فرد گرایانه خارج است.

یک جنبش ادبی وقتی روندی پویا و فرهنگ ساز خواهد بود که اصول و مبانی تئوریک آن سالم، فربه و مبتنی بر شناخت جریانات (اعم از مدرنیسم و پسا مدرنیسم) از یک طرف و شناخت از زیباشناسی سنتی (اعم از کلاسیسم و رومانسیسم) از طرف دیگر استوار باشد. جریان ادبی سازی مستلزم آن است که نظام زیباشناختی موجود حلاجی شود و کم و کیف آن شناسائی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بنابراین، گرت به برداری و یا معناگرایی، به صورت بازی با الفاظ، نمی تواند راه گشا و جریان ساز واقع شود. در این راستا، آشنائی با شعر روز جهان، شناخت از شرایط فرهنگی-اجتماعی و تسلط شاعر به زبان و ساخت شعر، از

مهمترین الزامات شاعری می باشند. شعر همچون همه چیز دنیای امروز، امری تخصصی و نیازمند آموزش و فراگیری است. البته شعر علاوه بر التزام به ممارست و فراگیری، دارای خصوصیت شهودی نیز است که سرایش از آن سر منشاء می گیرد.

شاعر با واژه ها آشنا زدائی می کند. او کاربرد نوآمدی از زبان ایجاد می کند تا از توصیفات و تشبیهات معمول و مستعمل عادت زدائی شود. در این روال، اما، خطرانی مهیب در کمین اند که جریان نوسازی را میان تهی و از صلابت ساقط می کنند. تقدم فرم بر محتوا و یا بازی های زبانی صرف از زمره حفره های اختناقی اند. معناگرایی و آن ذهنیت های درونی که هر گونه جدول ارزشی را انکار می کند، از دیگر دامچاله هائی است که در مسیر جنبش جدید ادبی در ایران دهان گشوده است.

درهم گونی به اسم تکثر گرایی و یا تاکید بر نسبت گرایی مطلق؛ یعنی انکار جهانشمولی در هستی شناسی جدید، همانا پر تگاه هائی اند فرا راه نوگرایی و نواندیشی جدید. اینکه گفته شود: شعر یا متن همانا تصادفی از کلمات است که به صورت اتفاقی به ذهن نویسنده خطور کرده اند و لذا ارجاعات (یعنی معانی) زیادی و از زواید یکی دیگر از نمونه های سقوط در ارتفاعات زیباشناسی جدید است.

آفرینش هنری و یا ادبی باید همت بر آن گمارد که جهان بیرونی را معنادار کند و قرآتی موازی و نو از واقعیت به دست دهد. هر خوانش خرق عادت و غیر منتظره از جهان عینی و یا ذهنی می تواند یک اثر هنری محسوب شود. ناب بودن اثر هنری و یا ادبی منوط به آن است که در چینه ای نو در برابر بگشاید و ما را با نهاد نا آرام جهان اشناتر سازد.

(ادامه دارد)

### حماسه نیویورک کی نژاد

ساز اسلامی قرار داشت... جالب است که همه این صحنه ها را به لحاظ مادی، بدخواهان ملت ایران با همه امکاناتشان طراحی کرده بودند و آنان تلاش کردند یا این دیدار را حضور در دانشگاه کلمبیا لغو یا اگر برگزار شده به صحنه محاکمه و تخریب چهره ملت ایران تبدیل شود... سه شبکه رسانه ای سراسری در جهان از یک هفته پیش به طور مستمر برنامه جنگ روانی و تخریبی گسترده به راه انداختند و شخصیت و تاریخ و عظمت ملت ایران را نشانه رفتند و با حرف هائی که خودشان شایسته آن بودند متهم کردند... آنها یک هفته از مخالفان ملت ایران دعوت کردند برای تظاهرات و برخورد با نماینده این ملت بزرگ اجتماع کنند و صحنه هم به گونه ای تیره و تار و یکطرفه طراحی شده بود و تعدادی هم برای همراهی با خود جمع کرده بودند اما صحنه کاملاً معکوس شد و برخلاف آنچه تصور می کردند کمتر از ۲۰۰ نفر از کشورهای امریکایی و اروپایی گرد آوردند که حتی برخی از آنان نمی دانستند برای چه آمده اند... در این سو هزاران انسان فهمیده آمدند و حرف های ملت ایران را شنیدند و از مواضع جمهوری اسلامی ایران حمایت کردند... آنها حتی از طریق شماره تلفن هائی که برای اعلام حضور مردم در جلسه و گرفتن کارت در نظر گرفته بودند وقتی افراد تماس می گرفتند از طریق نواری علیه ما تهمت های خود را تکرار می کردند... آنان اشتباه بزرگی را مرتکب شدند و حیثیت و ادعای نظام سلطه و دموکراسی مبتنی بر مادی گری را با همه امکانات به صحنه آوردند و

حیثیت رسانه ها و دانشگاه و مرکز علمی را هم قربانی کردند و رئیس دانشگاه را تحت فشار قرار دادند تا برای تأمین منافع صهیونیست ها آن سخنان را بیان کند... پس از این برنامه در نشست های مختلف با ایرانیان، آنان بطور یکپارچه به نمایندگی از بیش از یک میلیون ایرانی مقیم امریکا با سابق گوناگون و سرشار از عشق به ایران با ملت ایران اعلام همبستگی و آمادگی خود را برای فداکاری در راه آرمان های ایران اسلامی به این ملت بزرگ اعلام کردند در مجموع مدت اقامت در نیویورک ۸۰ ساعت به طول انجامید که در این مدت ۳۳ برنامه برگزار شد که ۱۸ برنامه آن دیدار با سران و مقامات عالی رتبه کشور بود... من کاری انجام ندادم و این عظمت، صداقت و حقانیت ملت ایران است که راه خود را پیدا می کند و پیش می رود...»

نتیجه گیری اخلاقی: اصولاً طنز برای وقتی است که کسی سی یا چهل یا پنجاه یا هفتاد درصد واقعیت را تغییر می دهد در این صورت می شود طنز نوشت، در غیر این صورت... هم باید طنز نوشت. نتیجه گیری فلسفی: واقعیت چیزی است که مادوست داریم نشان دهیم، حتی اگر یک هفته از وقوع آن گذشته باشد.

نتیجه گیری ریاضی: حاصل جمع ۱۷۰ سانتی فیوژ با اضافه ۱۷۰ سانتی فیوژ می شود ۳۰۰ سانتی فیوژ. نتیجه گیری حماسی: ما برای صلح کردن می رویم، اما اگر ما با جنکیند، قطعاً ما مدت هاست پیروز شده ایم

## درباره آخرین کار پرویز صیاد



ایرج جنتی عطائی که به عنوان شاعر و ترانه سرا شناخته بود نیز در همین دوران سخت تبعید شد و به عنوان نویسنده و کارگردان شاهکارهایی چون رستمی دیگر و اسفندیاری دیگر و پرومته در اوین و پروانه ای در مشت و... را ساخت.

به روی صحنه آوردن ایرج میرزا توسط پرویز کاردن و کارهای مسعود اسداللهی و خانم شهره آغداشلو همه و همه تلاش های متعهدانه ای بود از هنرمندانی که رسالت تاریخی خود را در نبرد با بهرین از یاد نبرده بودند

دو سال پیش پرویز صیاد در پی کارهایی با خانم لیلا فروهر و منوچهر حسین پور و علی فخرالدین و مارشال منش و هوشنگ توزیع و... کاری را به روی صحنه آورد که با تمامی کارهای پیشین او متفاوت بود «بهار بانفشه می آید و نوروز با صمد»

بنفشه دختر پرویز صیاد است که هنرمندی است سرشار از هنر در این نمایش که بخشی از آن موزیکال بود صمد آقا برای نخستین بار روی صحنه می رقصید و راپ می خواند. اما نکته بسیار جالب در این نمایش آن بود که کل این نمایش بر محور نیکی در پندار و گفتار و کردار بود.

اما تازه ترین کار پرویز صیاد، افسانه عاشقی و ازدواج آفتابه با کوزه می باشد و چه خوب بود که صیاد این نمایش را همین عاشقی آفتابه و کوزه می نامید.

هر چند دیالوگ های این نمایش برخلاف کارهای پیشین صیاد از قدرت بالای کلامی و پیامی برخوردار نیست و گفته ها بسیار کودکانه می باشد، اما مردم با دیدن صمد و نگاه کردن به قد و قامت او خندان و شادان می شوند و کلاً دادن امید و یادداشتن امید صمد آقا که روزی روزگاری به لیلا خواهد رسید و نقد تاریخ ۱۴۰۰ ساله مردم سرزمین ما، پیام هائی است مثبت. هر چند اگر روی نوشته کاری بیشتر صورت می گرفت نمایش را جدی تر می نمود.

www.awesta.net

### «سیاوش اوستا»

سینمای ایران در دوران محمدرضا شاه همگام با پیشرفت جهان سینما جلو می رفت و جدا از این که دوبلاژ پارسی ساز فیلم های خارجی از موقعیت و امکانات خوبی برخوردار بود، استودیوهای فیلمسازی بسیاری نیز فعال بودند که آخرین شاهکار آن شهرک سینمایی بود که با ابتکار علی حاتمی ساخته شد و سریال های امیر کبیر و هزارستان در آنجا ساخته شد.

پس از انقلاب که سینمای ایران بیشتر جنگی شده بود، در پایان جنگ ایران و عراق به برکت دلارهای نفتی و گفتگوهای انتقادی اروپا با مالاها فیلم های کم خرج و کم بیننده ساخت داخل، روانه خارج و فستیوال های جهانی شد و چون این فیلم ها را با ده، بیست سی هزار دلار می شد خرید و چند میلیون دلار فروش جهانی داشت سینمای ایران در دهسال اخیر در همه جای جهان از اروپا و اسرائیل گرفته تا ژاپن و امریکا مطرح بود و این فیلم های ابرویز استعمار شادکن ایرانی تحقیر کن. هر چند مشتری های خود را در این سو و آن سوی جهان دست و پا کرده و تعدادی فیلمساز ایرانی شهره جهان شدند، اما جای و نام فیلمسازان بزرگ ایرانی چون علی حاتمی و دلوود میرباقری ها در این هیاهوی جهانی خالی بود. زیرا که هم رژیم مالاها و هم استعمار نوین هرگز مایل نبوده است تا شکوه و عظمت ایرانی را در جهان به نمایش در آورد. بلکه بدبختی ها و سرشکستگی ها و بی فرهنگی ها را در فیلم ها تبلیغ کردن همان خواسته جهانی است که ایرانی را ترور است و بی فرهنگ و عقب افتاده معرفی کند.

اما از سینماگران تبعیدی ما، چهره های نازنینی بودند که از همان ابتدای خروج از کشور، تلاش کردند تا سینما و تئاتر را در خدمت آزادی ایران و روشنگری ایرانی و جهانیان قرار دهند.

رضا فاضلی با همکاری هنرمندان نازنینی چون منوچهر وثوق، رضا سرکوب و مرحوم حسین رحمانی و... نخستین فیلم های انتقادی را در رابطه با نظام اسلامی حاکم بر ایران ساخت و پرویز صیاد نیز با فیلم های فرستاده، چک بونت و نمایش های صمد به جنگ می رود و از جنگ برمی گردد. نقش فعالی در بازسازی یک جایگاه تاریخی برای سینمای مقاومت ایران در خارج از کشور ایفا کردند.

غلامحسین ساعدی دیگر هنرمند متعهدی بود که در همان دوران کوتاه زندگی در تبعید تا جایی که توانست در جهت افشای رژیم ملایان از تئاتر و تصویر استفاده کرد و آتللو در سرزمین عجایب او سندی پر افتخار از تلاش های آن انوشه روان بود.

## مجلس ایران خواستار تعطیلی فروشگاه های بتون شد

در تهران و سایر شهرهای ایران را دریافت کرد و با افتتاح شعبه هائی در تهران، مشهد و یزد نمونه های مشابهی از لباس های خود را که در اروپا در معرض فروش می گذارد، در ایران عرضه کرده است.

بر اساس اطلاعاتی که در وب سایت شرکت بتتون درج شده، بتتون در میدان کاج سعادت آباد، خیابان ظفر، خیابان دولت و خیابان آفریقا در تهران چهار فروشگاه دایر کرده است.

بتتون همچنین دو فروشگاه در بلوار سجاد و خیابان احمدیاد مشهد و یک فروشگاه در بلوار دانشگاه یزد دارد. مدیران شعبه ایرانی بتتون می گویند که این فروشگاه در ۱۲ ماه گذشته بازدهی بسیار خوبی داشته و توانسته است رضایت مشتریان ایرانی خود را جلب کند.

اگرچه فعالیت فروشگاه بتتون اخیراً موجب تنش میان محافظه کاران سنتی و شهردار اصولگرا تهران شده است، اما موضوع نوع پوشش زن ها و مردها در ایران مدت هاست که مجلس هفتم و کابینه محمود احمدی نژاد را به خود مشغول کرده است.

دغدغه ها در مورد نوع پوشش شهروندان ایرانی، موجب تصویب طرحی در مجلس شورای اسلامی به نام طرح «ساماندهی مد و لباس» در پاییز سال گذشته شد.

بر اساس این طرح همه دستگاه های دولتی موظفند که برای کارمندان خود امکان تهیه لباس هائی با الگوی ایرانی - اسلامی فراهم آورند.

پس از تصویب این طرح، چندین نمایشگاه مد لباس ایرانی - اسلامی در تهران و سایر شهرها برگزار شد؛ اما بر اساس گزارش ها هنوز الگوی واحدی از لباس ملی برای شهروندان ایرانی تهیه نشده است.

از سوی دیگر، تلاش برای ایجاد الگوی لباس ملی، در تابستان سال جاری با محدود کردن پوشش شهروندان در قالب طرح ارتقای امنیت اجتماعی همراه بوده است.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در جریان اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی، شمار زیادی از زنان و مردانی را که آنها را بدحجاب توصیف می کرد، بازداشت و پس از گرفتن تعهد کتبی آزاد کرد.